



نقش مؤسسہ امام خمینے (۱۵)

در پیداری اسلامے

دومصاحبہباحجت الاسلاموالمسلمین دکتر پے ویا

تہیہ و تنظیم: حسن ابراہیم زادہ - محمد ملک زادہ

مبارزه حضرت آیت‌الله مصباح (حفظه الله) از همان اوایل نهضت با جریان فکری منحرف - از مارکسیست‌ها گرفته تا مجاهدین خلق - شروع و صف‌بندی‌ها هم از همان جا آغاز شد. چون نیاز به یک حرکت فکری فرهنگی انقلابی مستمر و عمیق بود.



در آمریکا افراشته شد. در مرکز ما و در مراکز دیگری که نماز جمعه هم اقامه می‌شد، نوعاً کسانی که شرکت می‌کردند افرادی بودند که به دنبال روشن‌بینی در مسائل سیاسی بودند. در آن شهری که ما بودیم، سنی‌ها تعدادی نماز جمعه داشتند؛ چون آن‌ها نماز جمعه را واجب می‌دانند. یک سنی مفید بود به نماز جمعه ما بیاید. روزی به من گفت که من اینجا می‌آیم چون مطالب عمیق می‌بینم، مسائل جدی می‌بینم. آن‌جا کلیشه‌ای است، حقیقت اسلام را ما اینجا می‌بینیم. به مناسبت‌های مختلف، فرمایشات امام و مقام معظم رهبری ترجمه و تکثیر و پخش می‌شد. راهپیمایی‌هایی ترتیب داده می‌شد؛ مثلاً روز قدس حتماً انجام می‌شد. قبلاً در آمریکا فقط چند نفری از دانشجویان از ایالت‌های مختلف روز قدس به واشنگتن می‌رفتند. حتی از بوستن و شهرهای دیگر هم یک سواری دو سواری می‌رفتند. این هم کم‌کم تعطیل شده بود. دیگر کمتر جمعیت می‌رفت. وقتی ما رفتیم آن‌جا، در خود شهرها به طور مستقل در نیویورک، در واشنگتن، در جاهای دیگر؛ روز قدس باشکوه برگزار می‌شد و جلوی سفارت اسرائیل در قلب آمریکا مردم می‌آمدند و شعار می‌دادند. نزدیک سی پی هال پارکی بود که در آن‌جا مراسم برگزار می‌شد. موقعی که سلمان رشدی به بوستن آمد، همه مسلمان‌ها برای اعتراض به او رفتند. به هر حال در مسائل اسلامی یک فعالیت و جنب و جوش خوبی آغاز شد و دوستان ما هم آن‌جا مؤثر بودند.

فرهنگ پویا جناب آقای دکتر بی‌ریا! سؤال در خصوص جایگاه و نقش مؤسسه امام خمینی (ره) در بیداری اسلامی - گذشته، حال و آینده - است. با توجه به حضور شاگردان علامه مصباح در خارج از کشور و نقش ایشان در تأسیس بعضی از مراکز، سهم مؤسسه در این بیداری اسلامی چیست؟

آقای دکتر بی‌ریا: بیداری اسلامی از برکات اسلام ناب است. این که اسلام باید بیاید در جامعه و در زندگی مردم نقش داشته باشد و این که سیاست عین دیانت است، این بیداری از داخل ایران و از طریق شاگردان حضرت امام پخش شد و کم‌کم مردم آگاه شدند؛ نه آن اسلام ظلم‌ستیز؛ آن اسلامی که به دنبال برپا کردن عدالت در جامعه و در دنیا است.

مبارزه حضرت آیت‌الله مصباح (حفظه الله) از همان اوایل نهضت با جریان فکری منحرف - از مارکسیست‌ها گرفته تا مجاهدین خلق - شروع و صف‌بندی‌ها هم از همان جا آغاز شد. چون نیاز به یک حرکت فکری فرهنگی انقلابی مستمر و عمیق بود، به همین خاطر حضرت آیت‌الله مصباح مؤسسه‌ای را تأسیس کردند از جمله مؤسسه در راه حق. دوره‌هایی نیز با عنوان پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک داشتند، بحث‌هایی در پاسخ به شبهات مارکسیست‌ها و کمونیست‌ها بود. بعد درباره بازسازی علوم انسانی، دفتر همکاری را تأسیس کردند و بعد بنیاد فرهنگی باقرالعلوم و گروه‌های متعدد دیگری که در علوم مختلف شروع کردند به تحقیق و بررسی و آموزش گروه روان‌شناسی حقوق و دیگر رشته‌های علوم انسانی تا منجر شد به تأسیس مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رضوان الله علیه. همه این‌ها در راستای تبیین اسلام ناب به همه مردم، چه در داخل و چه در خارج بود. لازم بود عده‌ای بروند و با بیرون هم مرتبط باشند و تحصیلاتی را در آن‌جا داشته باشند و کسانی اعزام می‌شدند که اینجا سیراب شده و فکرشان شکل گرفته بود و تحت تأثیر غربی‌ها قرار نمی‌گرفتند. حضرت آیت‌الله مصباح سفرهایی را داشتند. شاید بشود گفت در بین علمای برجسته ما کسی که پر تعدادترین سفرها را به خارج از کشور داشته، شخص آیت‌الله مصباح بودند. ایشان به اکثر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی سفر داشتند. از نزدیک نیازمندی‌ها و وضعیت فرهنگی آن‌جا را مشاهده کردند و به فکر افتادند کسانی را برای تحصیل بفرستند و منجر شد به این که ما برای تحصیل رفتیم. دو سه نفر اعزام شدند به آمریکا برای اداره سه مرکز مهم اسلامی که در آن‌جا وجود داشت. این‌ها باعث برکاتی شد. آن ده سالی که بنده آن‌جا بودم، پرچم انقلاب

جمهوری اسلامی در طی این سی و چند سال، واقعاً بیکار نشسته بوده و دوستان خودش را در تمام دنیا پیدا کرده و آن‌ها را در حد امکان متشکل کرده است و همه زحمت کشیده‌اند. آقا فرمودند که مردم سالاری دینی برای نهضت‌هایی که به وجود آمده است باید تبیین شود و راهکارهای آن و توجه به خطرانی که آن‌ها را تهدید می‌کند، بیان شود.

فرهنگ پویا واکنش کشورهای غربی در خصوص این مؤسساتی که حضرت علامه مصباح تأسیس کردند، چه بود؟
آقای دکتر بی‌ریا: این‌ها نسبت به حضرت آیت‌الله مصباح بسیار حساس و پیگیر هستند. یکی از نقشه‌های دشمنان رواج عرفان‌های کاذب در کشور ماست. کسانی که مشتاق معارف ناب هستند، این‌ها را جذب می‌کنند تا در آن‌ها انحراف ایجاد نکنند. اخیراً کتابی را حضرت آیت‌الله مصباح نوشتند درباره عرفان حقیقی که به طور وسیع در کشور پخش شد. خبرگزاری‌های خارجی عکس‌العمل نشان دادند و ابراز نگرانی کردند. از این که انتشار یک کتاب نگرانی می‌آورد، عمق تأثیرگذاری معلوم می‌شود. این‌ها عامل شکست اصلاح‌طلبان و فتنه‌گران را آیت‌الله مصباح و همفکرانشان می‌دانند و به حق هم همین‌طور است. این مرهون آن کارهای فکری است؛ یعنی هر چه ما کارهای فکری عمیق‌تری داشته باشیم و مستدل و حساب شده باشد و پاسخ شبهات داده بشود؛ تحلیل و بررسی در مسائل باشد، در درازمدت می‌تواند تأثیرات عمیقی بر جا بگذارد.

فرهنگ پویا رهبری معظم انقلاب با آغاز بیداری اسلامی، هشداری را به کشورهای منطقه دادند و خصوصاً اندیشمندان مسلمان که کارهایی را که دشمن در برابر نظام اسلامی انجام داد، همان کارها هم برای شما انجام خواهد شد. علامه مصباح از قبل از انقلاب در مقابل جریان‌های انحرافی ایستادند تا اوج آن را اکنون ما در مکتب ایرانی می‌بینیم. در این جا مؤسسه حضرت علامه مصباح و شاگردانشان برای این بخش که رهبری فرمودند، چه تمهیداتی را دیده است؟

آقای دکتر بی‌ریا: شاگردانی که پراکنده شدند و به جاهای مختلفی رفتند، هر کدام منشأ تأثیرات عظیم شدند. البته در خود حوزه هم بوده‌اند کسانی که مستقیماً شاید شاگردی حضرت آیت‌الله مصباح را نداشتند، ولی از همان آب‌شخور معارف امام و علامه طباطبایی سیراب شده‌اند. آن‌ها هر کدامشان یک جایی قرار گرفته‌اند؛ مثلاً چند تا از طلبه‌ها در بوسنی منشأ تأثیرات عظیم شدند، در فیلیپین و آرژانتین بعضی از طلبه‌ها مستقیم یا غیر مستقیم منشأ اثر شدند. در آمریکا تشکیلی حدود هشتاد سال پیش پایه‌گذاری شد. در ایالت‌های آمریکا آن‌هایی که نسبت به انقلاب و امام وفادار هستند، هر سال همایشی دارند به نام مسلم کانگرس که رسماً در سخنرانی‌هایشان عکس‌العمل امام و آیت‌الله خامنه‌ای را می‌گذارند. سخنران‌هایی که دعوت می‌کنند، همه انقلابی صحبت می‌کنند و بیشتر هم جوان‌ها در تمام آمریکا پراکنده هستند. امسال که هفتمین

یا هشتمین همایش را برگزار کردند، حدود ۱۷۰۰ نفر از کل آمریکا جمع شده بودند و این‌ها کسانی هستند که دلباخته انقلاب و ملتزم به ولایت فقیه هستند و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را ولی فقیه می‌دانند و به حرف او توجه می‌کنند. این طور تشکل‌ها که در جاهای مختلفی الان وجود دارد و از جنبه فکری این‌ها تغذیه می‌شوند، تأثیرگذار است. به هر حال این نقش تأثیرگذار فکری بوده است. ممکن است در جاهای دیگر، حرکت‌های دیگری هم بوده، که به یمن جمهوری اسلامی و به یمن برکات حضرت امام رضوان الله علیه چه بسا کارهایی که بدون اطلاع جمهوری اسلامی پیش رفته است؛ یعنی کسانی بوده‌اند شیفته انقلاب شده‌اند، شیفته امام شده‌اند، خودشان یک حرکت‌های خودجوش در کشورهای خودشان آغاز کرده‌اند؛ یعنی انقلاب ما مرز نمی‌شناسد و در همه جا می‌تواند پراکنده بشود. خیلی از کتاب‌هایی که نوشته شده و به انگلیسی ترجمه شده است و در دنیا منتشر شده است، این‌ها خیلی تأثیرگذار بوده است در مقابله با آن سیل کتاب‌ها و مقالات و نشریاتی که علیه اسلام می‌نویسند. این مصداق «قلیل من الحق یدهب بکثیر من الباطل»؛ مقدار کمی از حق مقدار زیادی از باطل را از بین ببرد می‌تواند باشد. البته کار زمین مانده بسیار است.

جمهوری اسلامی در طی این سی و چند سال، واقعاً بیکار نشسته بوده و دوستان خودش را در تمام دنیا پیدا کرده و آن‌ها را در حد امکان متشکل کرده است و همه زحمت کشیده‌اند. آقا فرمودند که مردم سالاری دینی برای نهضت‌هایی که به وجود آمده است باید تبیین شود و راهکارهای آن و توجه به خطرانی که آن‌ها را تهدید می‌کند، بیان شود. البته خود آن مردم و متفکران آن‌ها، راهشان را پیدا کرده‌اند. آقای شریعتمداری از فهمی هویدی نقل کرد که گفت ما می‌دانستیم که چه نمی‌خواهیم یعنی می‌دانستیم استکبار بد است، می‌دانستیم ظلم بد است، ولی نمی‌دانستیم که چه می‌خواهیم و چگونه باید بخواهیم. امام رضوان الله علیه به ما یاد داد که چه بخواهیم و چگونه باید بخواهیم.

فرهنگ پویا اگر خاطرهای از غیر مسلمان‌ها در آن مقطع با شاگردان علامه و با آن مؤسسات خود حضرت تعالی دارید، بیان فرمایید.

آقای دکتر بی‌ریا: آن‌جا ما روزهای شنبه و یکشنبه مباحثاتی با اهالی کلیسا داشتیم. گاهی ما دعوت می‌کردیم می‌آمدند، گاهی ما به کلیسای آن‌ها می‌رفتیم و بحث‌هایی را داشتیم. واقعاً نمی‌توانستند پاسخ بدهند، ولی من احساسم این بود که در بین بعضی از این‌ها



جمهوری اسلامی در طی این سی و چند سال، واقعاً پیکار نشسته بوده و دوستان خودش را در تمام دنیا پیدا کرده و آن‌ها را در حد امکان متشکل کرده است و همه زحمت کشیده‌اند. آقا فرمودند که مردم سالاری دینی برای نهضت‌هایی که به وجود آمده است باید تبیین شود و راهکارهای آن و توجه به خطرانی که آن‌ها را تهدید می‌کند، بیان شود.

را با تینر شستم. آسیب دید، من را بردند بیمارستان و آن‌جا من خدا را قسم دادم به حق امام خمینی که چشم من را شفا بدهد و چشمم خوب شد و من خیلی ایشان را دوست دارم. این محبت‌ها از مردم مشاهده می‌شد. آن‌جا من با لباس روحانی بودم. احترام مردم را به این لباس می‌دیدم. مردم سلام می‌کردند. در همان اوج ۱۱ سپتامبر و بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر، این‌ها را به این سبک می‌دیدم.

فرهنگ پویا به نظر تان چرا به موازات این که بحث دینداری اسلامی مطرح می‌شود، باز نوک پیکان به سمت شاگردان علامه مصباح می‌آید و آن‌ها را ترور شخصیتی می‌کنند؟ آیا این فقط ریشه داخلی دارد یا از خارج هم هدایت می‌شود؟

آقای دکتر بی‌ریا: احتمال دارد همان طور که یک دانشمند هسته‌ای یا سپاه قدس را آن‌ها برایش برنامه‌ریزی می‌کنند، از نوشته‌ها و اظهارنظرهایی که در خارج از کشور نسبت به دیدگاه‌های شخص حضرت آیت‌الله مصباح و حرف‌هایی که ماها می‌زدیم، برنامه‌ریزی می‌شود. معلوم نیست در آن زمانی که من سمتی داشتم، این‌ها به این مسایل حساسیت نشان می‌دادند که با شیوه‌ها و شگردهایی که بتوانند یک چیزی را تحریف بکنند.

فرهنگ پویا احساس می‌شود می‌خواهند با ترور شخصیتی این‌ها، نتوانند در جهان اسلام یا در کشورهای دیگر نقش آفرینی کنند. این درست است؟

آقای دکتر بی‌ریا: همین‌طور است. به هر حال تقابل می‌کنند و ما تقابل‌های این‌ها را دیده‌ایم و آن وقت هم که ما آن‌جا بودیم، نسبت به ما حساسیت بود، اما از راه دور کنترل می‌کردند و وقتی ما آمدیم، این‌ها باورش‌ان نمی‌شد که ما برای همیشه آن‌جا را ترک نکنیم. چون بالاخره امکان برگشت برای ما بود. این‌ها سراغ می‌گرفتند از کسانی که با ما مرتبط بودند که فلانی کجاست، چرا نمی‌آید آمریکا؟ خوب معلوم است که این‌ها حساس هستند و رصد می‌کنند.

فرهنگ پویا اگر نکته خاصی در خصوص حال یا آینده دارید، بفرمایید.

آقای دکتر بی‌ریا: درباره آینده، ما باید نسبت به مسائل فکری جهان اسلام بیشتر کار بکنیم. گروه‌های مرتبطی که در مؤسسه هستند، گروه‌های سیاسی تاریخی که موضوع بحثشان این جور مسائل است، باید بیشتر کار بکنند و کلاً ما نسبت به مسائل بین‌المللی هنوز سرمایه‌گذاری قوی نکرده‌ایم. این یک خلائی است که ما باید پوشش بدهیم و مسائل بین‌المللی یعنی آن افکاری که داریم به صورت بین‌المللی عرضه کنیم. گرچه باز مؤسسه در این زمینه فعال است، ولی از این بیشتر می‌شود فعال بود.



مأموران امنیتی هم هست. می‌آمدند ببینند ما چه کار می‌کنیم. یکی دو تا گروه‌شان که آمدند، من واقعا نیافتم که دنبال حقیقت می‌گردند. روی حرف‌های خودشان اصرار داشتند. گیر هم که می‌افتادند، توجیه می‌کردند. البته خواهران و برادرانی هم بودند که مسلمان شده و بعد شیعه شده بودند؛ یعنی توسط وهابی‌ها داخل اسلام می‌شدند، ولی آن قدر وهابیت خشک و غیر قابل فهم بود که وقتی به یک عالم شیعی برخورد می‌کردند، کتاب‌های شیعه را می‌خواندند، به ویژه مطالب مربوط به امام و مقام معظم رهبری که به روز بود را می‌خواندند، به سمت اسلام امام می‌آمدند. در زندان‌های آن‌جا تعدادی بودند که مستبصر شده و مسلمان شده بودند. در همان زندان خودشان به تبلیغ می‌پرداختند.

خاطره‌ای از یک غیر مسلمان دارم که مسیحی بود و آن‌جا رنگ‌کاری می‌کرد. بنده را دید یسار حضرت امام افتاد و گفت من خمینی را دوست دارم و گفت وقتی با امام آشنا شدم، یک جذب و کششی نسبت به ایشان پیدا کردم. روزی رنگ توی چشمم پاشید. چشمم